

از نمای نزدیک

بازدید از کارگاه ساخت ضریح مطهر امام حسین (ع)



رژیم بعث با لودر قسمتی از آن را با خاک یکسان کرد که بعدها به بین‌الحرمین معروف شد. پس از این حادثه بارگاه و ضریح سیدالشهدا آسیب فراوان دید که این موضوع باعث شد مسئولان عراقی تصمیم بگیرند ضریح را تعمیر کنند، اما آقای دانش (که روحش شاد) با یک سال پیگیری مداوم، عراقی‌ها را راضی کرد تا ضریح عوض شود. و پس از رایزنی‌های بسیار این کار پربرکت به ایران محول شد. آیت‌الله سیستانی بعدها در این باره گفت: «از این که ایرانی‌ها این کار را قبول کردند خوشحالم چرا که همیشه در چنین کارهایی پیش قدم بوده‌اند. شما گل سرسبد را چیدید. ضریح را در شأن سیدالشهدا بسازید.»

بد نیست بدانید کار ساخت ضریح جدید یک سال و نیم قبل آغاز شده و تا محرم سال آینده کامل می‌شود.

قصه چوب و نقش و نگار

بدنه اصلی ضریح چوبی‌ست از جنس ساج، که بومی شبه قاره هند است که در جنگل‌های برمه رشد و نمو می‌یابد و نسوج بسیار به هم فشرده‌ای دارد که به دلیل چربی فراوانش حشرات و رطوبت در آن نفوذ نمی‌کند. از این چوب برای ساخت کشتی و لنج استفاده می‌شود و عمرش تا هزار سال پیش‌بینی شده. فروشنده چوب‌ها اذعان نموده: ده سال می‌شد که این چوب‌ها را داشتم ولی با بودن خریداران زیاد نتوانستم آنها را بفروشم. با وجودی که در این ده سال چوب‌های فراوانی از این جنس خریده و فروخته‌ام. (یادتان می‌آید که آن بالا گفتم بعضی از اشیاء عاقبت به‌خیر می‌شوند؟)

استاد مهدی دیدار و استاد اکبر رحیم، نجاری این پروژه را به عهده گرفتند و با نقشه‌های دقیق رایانه‌ای چارچوبی زیبا و بدیع ساختند. آقای آزادگان راهنمای کارگاه می‌گوید قرار است در قسمت بالای لچکی‌ها اسامی ائمه و احادیث مربوط به شخصیت سیدالشهدا و سوره‌های یس، والفجر، و هل اتی خطاطی شوند. کار خطاطی بر عهده استاد موحد است. یعنی بزرگ‌ترین اساتید خط ثلث در جهان اسلام. وقتی می‌شنوی نگارگر نام آشنای دنیا، آقای فرشچیان طراحی نازک‌کاری ضریح را انجام می‌دهد و دو سه ماه یک بار برای چند هفته به ایران می‌آید برای بودنش، هنرش و سعادت که دارد و برای گریه‌های ناتمامش پای ضریح غبطه خواهی خورد.

آیا از شعرهای فارسی هم بر روی ضریح استفاده خواهید کرد؟ در جواب متوجه می‌شویم که هنوز بحث عرب و عجم در عراق پررنگ است و ما نمی‌خواهیم حساسیت آنها را برانگیزیم. اصلاً راضی هستیم اسمی از ایران به میان نیاید و فقط ضریحی زیبا و بدیع بر بارگاه امام شهیدمان نصب شود. خلاصه بحث این شد که دو طرف با اشعار سید رضی (ع) به توافق رسیده‌اند.

در را که باز کردند چارچوب ضریح نشست در قاب چشم‌هایمان. همان حالی را داشتم که وقتی با مرقد امام حسین (ع) روبه‌رو شدم. همان طور بی‌قرار، غرق در غم و شادی، غمی بزرگ بر دلم نشست. اما انگار خدا دست گذاشت روی قلبم که آرام باش و فقط نگاه کن.

چارچوب ضریح وسط کارگاه بود. مثل کسی که نگاهت کند، جذبت کند، یا تو را بفهمد. شاید به این حرفم بخندید ولی فکر می‌کنم عاقبت نیک و بد شامل اشیاء هم می‌شود. مثل همین چارچوب خوشبخت، که قرار است مانند حلقه مرقد سیدالشهدا را در بر بگیرد.

در کارگاه، هر کس به کاری مشغول بود. دقت که می‌کردی همه رو به ضریح بودند. راهنمای پروژه آقای آزادگان ما را به گرمی پذیرفت و حکایت آغاز شد.

به‌گفته تاریخ

تاریخچه ضرایح حرم مطهر اباعبدالله‌الحسین (ع) باز می‌گردد به سال ۳۷۱ ه.ق که با دستور عضدالدوله دیلمی ضریحی از چوب ساج بر مزار امام حسین (ع) نصب کردند که این ضریح با عاج فیل تزیین شده بود. در زمان شاه اسماعیل صفوی حاشیه ضریح طلاکاری شد و بر روی قبر مطهر صندوقی از خاتم بسیار نفیس گذاشتند. تقریباً یک قرن بعد شاه عباس ضریح تازه‌ای از مس روی مرقد نصب کرد و آن را با حریرهای گران‌بها پوشاند.

ناگفته نماند که ۱۲۰ سال بعد هم گوهرشاد در تعمیر و تزیین ضریح فعالیت‌هایی انجام داد. تا این که وهابیان به کربلا حمله کردند و سه هزار نفر از ساکنان شهر را کشتند و ضریح را هم خراب کردند. سپس در زمان فتحعلی شاه ضریحی از نقره ساخته شد و در پایین پای امام، ضریح دیگری برای حضرت علی اکبر (ع) قرار دادند. اینگونه شد که ضریح شش گوشه به نظر رسید.

سرانجام سلطان طاهر سیف‌الدین از داعیان اسماعیلی هند دستور داد ضریح جدید را با نقره خالص بسازند (ضریح فعلی) که شش گوشه است و بر مضجع شریف امام قرار دارد.

شاید بتوان گفت تنها هنری که در آن به کار رفته فلزکاری است. ضریح فعلی که تقریباً هشتاد سال از زمان ساختش می‌گذرد، و جدای از استهلاک، قصه خراب شدنش هم به زمان رژیم بعث برمی‌گردد. شیعیان کربلا شورش کرده بودند و نظامیان عراق به شهر ریختند قتل عام فجیعی رخ داد و مردم به حرم امام حسین پناه بردند در آن مقطع زمانی حرم امام حسین و حضرت ابوالفضل (ع) به هم وصل بود.



استاد مصطفی خدادادزاده و گروه منحصر به فردش، قلم زنی ضریح را انجام می‌دهند. یعنی نقوش و خطوط را بر روی ورق‌هایی از طلا و نقره به حجم تبدیل می‌کنند. تا بعد از پایان کار، آنها را بر روی سازه چوبی نصب کنند.

وقتی حکایت به گوی و ماسوره‌هایی رسید که شبکه‌های ضریح را تشکیل خواهند داد، راهنمای کارگاه گویی را دستمان داد و گفت وزنش از گوی‌های ضرایح دیگر ائمه (علیهم‌السلام) بیش‌تر است چون عمر این ضریح را در حدود سیصد سال برآورد کرده‌ایم. به این فکر کردم که چند صباح بعد با اشک چشم زائران شسته خواهد شد. حسایش را بکنید روزی چند دست این گوی و شبکه‌ها را نوازش خواهند کرد و چند بغض از سر مصیبت و اندوه در کنارش خواهد شکست یا با چند بوسه از سر شوق خواهد بود؟

فلسفه منابع مالی

با این‌که افرادی پیشنهاد کرده‌اند همه هزینه ساخت ضریح را که بیش از هشت میلیارد تومان است بپردازند و با این‌که دولت قول همکاری داده ولی قرار بر این است که همه مردم در این کار سهیم باشند. راهنمای کارگاه توضیح می‌دهد که در این مورد تا به حال با مشکلی مواجه نشده‌اند و مردم به محبت امام حسین و از سر اخلاص از هر آنچه می‌توانند کوتاهی نمی‌کنند. به عنوان مثال عروس و دامادی که فردای ازدواجشان آمدند و طلاهای کادوی عروسیشان را یکجا هدیه نمودند. یا خانمی که دو متر زنجیر عتیقه‌ای که نسل به نسل برایش به ارث رسیده بود. یا خانمی که ۴۶۴۰۰ تومان آورد که این پول نتیجه یک سال گونی‌بافی من است. این جاست که می‌فهمی زمانه عوض نشده هنوز هم کسانی هستند که کلاف می‌آورند تا یوسف بخرند.

ایستاده بودیم روبه ضریح و حرف‌های آقای آزادگان هنوز شنیدن داشت. از معرفت و شور مردمی صحبت می‌کرد که در اطراف ما زندگی می‌کنند و گاه شاید ظاهری موجه نداشته باشند اما دلشان خانه خداست. می‌گفت وقتی می‌آیند، وقتی چشمشان به ضریح می‌افتد قیامتی می‌آفرینند و ما را در حسرت حالشان می‌گذارند و می‌روند.

یاد او می‌افتم، او که چشم و چراغ هستی‌ست، او که حسین است، خون خداست، خداوند او را عزیز می‌دارد و محبتش را با ذره ذره کائنات آمیخته است. به این فکر می‌کنم که چرا لشکر کوفه و شام او را نشناختند و حقیقت صدایش را نشنیدند؟

لبیک یا ابا عبدالله

